

مه ده چار

« غزليات »

شاعر:

ابراهيم رحمد

با مقدمه مهتا برنجبر



۱۳۹۹

- سرشناسه : واحد، راهیم، ۱۳۳۹
- عنوان و نام پدیدآور : مه در چ "غزلت" / شاعر ابراهیم واحد؛ با مقدمه مهتا بردبار
- مشخصات نشر : تهران: مهر کلام، ۱۳۹۹
- مشخصات ظاهری : ۸۶ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س. ف.
- شابک : 978-622-6896-41-2
- وضعیت فهرست نویسی : فیپا
- موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴
- موضوع : Persian poetry -- 20th century
- شناسه افزوده : بردبار، مهتا، ۱۳۵۰-، مقدمه نویسی
- رده بندی کنگره : PIR۸۲۹۱
- رده بندی دیویی : ۸۱۶/۶۲
- شماره کتابشناسی ملی : ۶۲۰۵۴۵۴



دفتر مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید، پلاک ۷۴

شماره تماس: ۶۶۴۶۳۲۴۵

www.resh-e-kalam.ir

مه دد چار

ابراهیم واحد

با مقدمه مهتا بردبار

چاپ اول: ۱۳۹۹

تیراژ: ۵۰ نسخه

چاپ: غزال

صفحه آرای: بنیامین غفاری

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به مؤلف است.

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است»

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۹۶-۴۱-۲

فهرست اشعار

- ۱۱.....دلمه شاعر
- ۱۵.....دلمه دکتر مهتا بردبار
- ۱۷.....آینه ای
- ۲۰.....سفر عسکری
- ۲۲.....سراب و حباب
- ۲۴.....سخن دل بر گوش جان
- ۲۶.....سرگشته کوی و برزن
- ۲۸.....دریاب
- ۲۹.....زخمی خویشان
- ۳۱.....خط امان
- ۳۳.....زخمی پاره تن
- ۳۵.....شان و منزلت
- ۳۶.....دعای پدر
- ۳۸.....در سوگ استاد حسین آهی
- ۴۰.....در سوگ شادروان استاد دکتر ایزدی
- ۴۴.....تکیه گاه
- ۴۵.....رخشنده و رخشان

- ۴۶..... حسرت یک نگاه
- ۴۷..... پرواز بسوی حرم دوست
- ۴۸..... ترازویی نابرابر
- ۴۹..... شکیب
- ۵۰..... کاروان در کاروان
- ۵۲..... خنده مستانه پیشین
- ۵۳..... قبای ی هنری
- ۵۴..... جهانی در تن پنهان دریاب
- ۵۶..... کوه و کاه
- ۵۷..... کرکس و عقاب
- ۶۰..... گل‌های باغ بهشت (برای دانشجویان دانش پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد پزشکی تهران)
- ۶۳..... مهمان فراموش شده
- ۶۵..... پیک اجل
- ۶۶..... محرم راز
- ۶۷..... نادریش
- ۶۸..... مستی و عشق
- ۷۰..... شوق وصال
- ۷۲..... پائیز، رستاخیز
- ۷۴..... می شکمم
- ۷۶..... ندیدید
- ۷۷..... پله‌های سلوک

۷۸ هشدار

۷۹ نافه‌ی حتن

۸۰ نگاهی به درون

۸۱ بی اثر

۸۲ پاسخ رندانه

۸۳ در فنا

۸۴ رنگ ابرو

۸۵ اهل منور

www.ketabonline.ir

مقدمه شاعر

به نام خدا

شاعران سیمیاگرانی هستند که کلمات را به گلوآژه و بیت و غزل تبدیل می‌کنند. آبلانی هستند که به شوق گل می‌سرایند و اگر گل را در هجمه‌ی ایشان حزان ببینند دم فرو می‌بندند.... چیزی تلخ‌تر از این برای اهل شعر و ادب نیست که کلامش را درنیابند و بدتر از آن ادعای نقد بی نقدینگی هم داشته باشد! که حادثه‌ای کم شیوع نیست و صرافان گوهرناشناس فراوانند.... طعنه‌ی مانوس به مهتاب و فخرفروشی قطره به دریا و ادعای شاهی در کنعان و لاف ساخت در پیش رندان و زیره بردن به کرمان را مانند است....

برای شاعران انگار بسیار دشوار است که چون یک گنج خواب دیده‌ای برای گران بخواهند از رویای شب پیشین حرف بزنند و نه اینان را توان گفتار است و نه آنان را امکان شنیدن.... بدیهی است که در زر زرگران می‌شناسند و قدر گوهر را گوهرشناسان....

در پیش آنکه پرواز را نمی‌فهمد هرچه بیشتر اوج بگیری بیشتر کوچک خواهی شد و عجب نیست که هرچه در این وادی بیشتر مطرح شوی بازار تهمت‌ها و نقدهای غیر منصفانه بیشتر خواهد بود....